

حماقت

کلید واژه: حماقت، کم عقلی، نادانی، بلاهت، ساده لوحی، سفاهت

محقق: رضا پارچه باف

حماقت از واژه حمق به معنای نادانی، کم عقلی و صفتی ضد عقل است.^۱
در اصطلاح به کسی می‌گویند که قبل از فکر کردن حرف می‌زند و از روی غفلت سخن می‌گوید و توجهی به صحت یا باطل بودن کلامش ندارد.^۲

علامه طباطبائی، سفاهت در آیه شریفه «وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ»^۳ را به معنای حماقت تفسیر کرده اند.^۴ در روایات نیز، گاهی عقل و سفه و مشتقات آن‌ها، در مقابل یکدیگر به کار رفته است.^۵

در حدیثی که از پیامبر گرامی (ص) وارد شده است، ایشان شخص احمق را چذبن معرفی می‌کنند: «احمق کسی است که نفس او از هوا و هوس پیروی نماید، و متابعت خواهشهای خود کند، و با وجود این، آرزو از خدا داشته باشد».^۶

مرحوم نراقی در توضیح حدیث منقول می‌فرماید: رجا و امید از عمل منفک نمی‌گردد، زیرا کسی که امید به چیزی داشته باشد، در طلب آن بر می‌آید.^۷

حضرت امیر(ع) افرادی را که در تحسین کردن و یا توییح کردن سائرین، بیش از اندازه مبالغه می‌کنند افرادی احمق می‌شمارند لذا فرمودند:

بزرگترین مراتب حماقت، زیاده روی در تحسین و توییح است.^۸

^۱ مهیار، رضا؛ فرهنگ ایجدی عربی فارسی، ناشر اسلامی، تهران، سال ۱۳۷۵، چاپ دوم، ج ۱، ص ۲۵

^۲ داراشکوه، محمد؛ مجمع البحرین، تهران، انتشارات دارالخلافة، سال ۱۳۰۴ ه.ق، ج ۵، ص ۱۵۲

^۳ سوره بقره، آیه ۱۳۰

^۴ طباطبائی، محمد حسین؛ تفسیر المیزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، چاپ دوم، ج ۱، ص ۳۰، ذیل آیه ۱۳۰ بقره.

^۵ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه؛ انتشارات کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، سال ۱۳۳۷، چاپ اول، ج ۲۰، ص ۳۴۰.

^۶ فیض کاشانی، ملا محسن؛ محجه البیضاء، قم، انتشارات جامعه مدرسی، بی تا، ج ۶، ص ۲۹۲

^۷ نراقی، ملا احمد؛ معراج السعاد، قم، انتشارات هجرت، سال ۱۳۷۷، چاپ پنجم، ج ۲، ص ۶۴۲

^۸ تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۶۶، چاپ اول، ص ۱۸۲

امام باقر(ع) قصد مسافرت داشتند که پدر گرامیش حضرت سجّاد(ع) در ضمن سفارش‌های خود به او فرمودند: فرزند عزیز، از رفاقت و آمیزش با احمق بپرهیز و از او دوری کن و از بحث و مذاکره با او اجتناب نما. سپس در بیان مراتب کوتاه‌بینی و نارسائی فکر احمق و شناسایی شخصیت وی، به مواردی اشاره فرمودند:

انسان احمق، اگر سخن بگوید حماقت و نادانیش او را رسوا خواهد کرد، اگر سکوت کند نارسائی و عجزش ظاهر میگردد، اگر به کاری دست بزند آن را خراب می‌کند، اگر رازی به وی سپرده شود افشا می‌نماید، نه دانش خودش او را بی‌نیاز می‌کند و نه از دانش دیگران بهره‌مند می‌گردد، اندرزگوی خود را اطاعت نمی‌کند، و رفیق خود را راحت نمی‌گذارد، مادرش مرگ او را دوست دارد تا در عزایش گریه کند و زنش آرزوی جدائی وی را در مغز می‌پرورد، همسایه‌اش تمنا دارد که از منزل او دور باشد، و همنشینش از ترس مجالست با او در تنهائی و سکوت به سر می‌برد، موقعی که احمق در مجلس دیگران شرکت می‌کند اگر حضار محضر از او بزرگتر باشند همه آنها را عاجز می‌کند و اگر از وی کوچکتر باشند با رفتار و گفتار احمقانه خود آنان را گمراه می‌نماید.^۹

یکی از انواع حماقت، حماقت از نوع حیای است. حقیقت حیا، شرم داشتن از ارتکاب چیزی است که شرعا یا عقلا یا عرفا مذموم است، و شرم داشتن از غیر این حماقت است، زیرا شرم‌منده شدن از تحقیق احکام دین یا سستی و کاهلی نسبت به آنچه شرعا و عقلا سزاوار است حیاء شمرده نمی‌شود بلکه حماقت است.^{۱۰} و از این رو رسول خدا(ص) فرمودند:

«حیا دو گونه است: حیاء عقل و حیاء حماقت، حیاء عقل علم است و حیا حماقت نادانی است».^{۱۱}

مبغوضترین افراد

از حضرت امام صادق(ع) نقل شده که آن فرمودند: خداوند عزّ و جلّ موجودی را مبغوض‌تر از احمق نیافریده زیرا محبوب‌ترین اشیاء که عقل باشد را از او گرفته است.^{۱۲}

^۹ علامه مجلسی، محمد تقی؛ بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، لبنان، سال ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۱۶، ص ۵۳
^{۱۰} نراقی، ملا محمد مهدی؛ علم اخلاق اسلامی، ترجمه سید جلال الدین مجتبی‌ی انتشارات حکمت، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۶۲
^{۱۱} کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، اسلامی، تهران، سال ۱۳۶۲ ش، چاپ دوم، ج ۲، ص ۱۰۶
^{۱۲} شیخ صدوق؛ علل الشرائع، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، قم، انتشارات، سال ۱۳۸۰، چاپ اول، ج ۱، ص: ۳۵۵

احمق ترین ها

در سخنان اهل بیت علیهم السلام درباره حماقت، بیاناتی است که می توان از بین آنها نکاتی را استفاده نمود و احمق ترین انسانها را شناخت. چنانچه از حضرت امیر(ع) در موارد متعددی در کتاب غرر نقل شده و این دسته از انسانها را معرفی کرده است.

بزرگترین حماقت، اغراق در مدح و ذم است.^{۱۳}

احمق ترین مردم کسی است که فکر کند، عاقل ترین مردم است.^{۱۴}

کسی از همه احمق تر است که در عین فقر و نداری، تکبر بورزد.^{۱۵}

نادان ترین مردم کسی است که به فحشی که داده است خوش حال باشد.^{۱۶}

بزرگترین حماقت و کم عقلی تکبر کردن در درویشی است.^{۱۷}

احمق ترین مردم کسی است که از کار نیک ممانعت می کند و درخواست تشکر از مردم دارد، و کار شر انجام می دهد در حالی که توقع پاداش نیک دارد.^{۱۸}

احمق ترین مردم کسی است که مردم را بر صفات رذیله، مذمت می کند در حالی که خودش آن صفت را دارد.^{۱۹}

چگونه با انسان احمق برخورد کنیم؟

درباره این که چگونه باید با انسان احمق روبرو شد و چه جوابی به او داد، صفارشانی از ائمه علیهم السلام وارد شده، که به بخشی از آنها اشاره می شود:

۱. سکوت

^{۱۳} تمی می آمدی، عیدالواحد؛ پی شین، ص ۷۷. أَكْبَرُ الْحُمَقِ الْإِعْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالذَّمِّ
^{۱۴} همان، ص ۷۷. أَحْمَقُ النَّاسِ مَنْ ظَنَّ أَنَّهُ أَعْقَلُ النَّاسِ
^{۱۵} همان، ص ۷۷. أَكْثَرُ النَّاسِ حُمَقًا الْفَقِيرُ الْمُتَكَبِّرُ
^{۱۶} همان، ص ۷۷. أَسْفَهُ السُّفَهَاءِ الْمُتَبَجِّحُ بِفَحْشِ الْكَلَامِ
^{۱۷} همان، ص ۷۷. أَعْظَمُ الْجُمَاقَةِ الْإِخْتِيَالُ فِي الْفَاقَةِ
^{۱۸} همان، ص ۷۷. أَحْمَقُ النَّاسِ مَنْ يَمْنَعُ الْبِرَّ وَ يَطْلُبُ الشُّكْرَ وَ يَفْعَلُ الشَّرَّ وَ يَتَوَقَّعُ ثَوَابَ الْخَيْرِ
^{۱۹} همان، ص ۷۷. أَحْمَقُ النَّاسِ مَنْ أَنْكَرَ عَلَى غَيْرِهِ رَذِيلَةً [رَذَائِلَهُ] وَ هُوَ مُقِيمٌ عَلَيْهَا

در بسیاری از موارد بهترین برخورد با انسان احمق، سکوت در برابر سخنان وی می‌باشد، حضرت امیر(ع) در این زمینه می‌فرماید:
سکوت در برابر احمق بهترین جواب برای اوست.^{۲۰}

۲. دوری گزیدن از وی

از سفارشاتى که در مواجهه با انسان احمق شده، به طور کلی، دوری کردن از آنهاست. حضرت علی(ع) می‌فرماید:
دور بودن احمق، بهتر از نزدیکی بودن به اوست و سکوتش بهتر از سخنش.^{۲۱}

۳. عدم دوستی با احمق

هم نشیمنی و دوستی کردن با انسان احمق، در سخن امیرمومنان(ع)، به درخت آتشکینی تشبیه شده است که بعضی از آن بعضی دیگر را می‌خورد، یعنی چنانکه درختی که آتش گرفت بعضی از آن بعضی دیگر را می‌خورد تا این که همه بسوزد و خاکستر شود دوستی احمق نیز با افراد چنانست، بسیارست که ندانسته به گمان دوستی آتش در او اندازد تا او را تمام بسوزاند و فاسد و تباه کند.
لذا حضرت علی(ع) فرمودند:

دوستی با احمق مانند درختی آتش گرفته است که بعضی از آن بعضی دیگر را می‌خورد.^{۲۲}

همچنین می‌فرماید:

دوستی با احمق زایل می‌شود چنانکه سراب زایل می‌شود، و چنانکه ابرهای تنگ که روی زمین را مانند دود فرو گیرند گشوده می‌شود.^{۲۳}

۴. امین ندانستن وی

انسان احمق چنان بی‌خردانه عمل می‌کند که نه می‌توان از او امید خیری داشت و نه وی را امین دانست، لذا حضرت علی(ع) می‌فرماید:

به بخشش منت گذار امید نداشته باش همچنین احمق و کسی که بسیار خیانت می‌کند را امین نشمار.^{۲۴}

^{۲۰} همان، ص 77. السُّكُوتُ عَلَى الْاَحْمَقِ اَفْضَلُ جَوَابِهِ [مِنْ جَوَابِهِ]
^{۲۱} همان، ص 77. بَعْدُ الْاَحْمَقُ خَيْرٌ مِنْ قَرِيْبِهِ وَ سَكُوْتُهُ خَيْرٌ مِنْ نَطَقِهِ
^{۲۲} همان، ص 77. مَوَدَّةُ الْاَحْمَقِ كَشَجَرَةِ النَّارِ يَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا
^{۲۳} همان، ص 77. مَوَدَّةُ الْاَحْمَقِ تَزُولُ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ وَ تَقْشَعُ كَمَا يَقْشَعُ الضَّبَابُ
^{۲۴} همان، ص 78. لَا تَرْجُوَنَّ فَضْلَ مَنْ اَوْ لَا تَأْتِمِنِ الْاَحْمَقَ وَ الْخَوَانَ

۵. بزرگ نشماردن جایگاه احمق

انسان احمق به قدری حقیر است و در چشم اولیای الهی کوچک و بی خرد می‌نماید که حضرت علی(ع) می‌فرماید:
احمق را بزرگ نشمار هر چند جایگاه بزرگی داشته باشد.^{۲۵}

۶. نزاع نکردن با احمق

نزاع و سخن گفتن با انسان احمق و نادان، جز ناراحتی برای انسان و ضرر به وی، فایده دیگری ندارد، حضرت علی(ع) در این باره می‌فرماید:
با سفیه و احمق نزاع نکن و عاشق و شکیفته زنان مشو، که این عمل عقلاء را حقیر می‌کند و زیان آور است.^{۲۶}

۷. حلم و بردباری در برابر احمق

از آنجا که از انسان احمق جزء ناراحتی و دردسر برای انسان عاقل نصیبی حاصل نمی‌شود، و نمی‌توان استیغای حق از او نمود لذا بهترین کار صبر و تحمل کردن در برابر اوست، در حدیثی که از حضرت امیر(ع) نقل شده آمده است:
استیغای حق از انسان احمق نمی‌شود مگر به بردباری از او.^{۲۷}

آفات همنشینی با احمق

۱. حقیر شدن

از آنجا که انسان احمق فردی حقیر و بی خرد است، همنشینی با وی نیز انسان را کودن و احمق می‌کند. حضرت امیر در این باره می‌فرماید:
کسی که با سفهاء مراوده داشته باشد، تحقیر می‌گردد.^{۲۸}

۲. مورد دشنام واقع گردیدن

انسانهای احمق، کلامشان از روی نادانی و بی فکری است، لذا اگر کسی بخواهد آنان را ملامت کند، سخنان زیبا و سنجیده‌ای از آنها نمی‌شنود. از این باب حضرت امیرالمومنین(ع) می‌فرماید:

^{۲۵} همان، ص 78. لَا تُعَظِّمَنَّ الْاَحْمَقَ وَ اِنْ كَانَ كَبِيرًا
^{۲۶} همان، ص 78. لَا تَبْزُغِ السُّفَهَاءَ وَ لَا تَسْتَهْزِئِ بِالنِّسَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ يُزِي يَالْعُقَلَاءَ
^{۲۷} همان، ص 78. لَا يَنْتَصِفُ مِنْ سَفِيهِ قَطُّ إِلَّا بِالْحِلْمِ عَنْهُ
^{۲۸} همان، ص 78. مَنْ دَاخَلَ السُّفَهَاءَ حَقَرَ

کسی که انسان سفیه و احمق را ملامت کند، خود را در معرض فحش و دشنام او قرار داده است.^{۲۹}

....

^{۲۹} همان، ص 78. مَنْ عَذَلَ سَفِيهًا فَقَدْ عَرَّضَ لِسَبِّ نَفْسِهِ